

سورة الاحقاف

دانشکده الهیات و معارف اسلامی



• گروه فقه شافعی

• مباحث اصول ۱

• جلسه نوزدهم

• استاد: دکتر مصطفی ذوالفقار طلب

• دستیار: الهام صادقی نسب

موضوع: چگونگی (روشها=نوع) دلالت الفاظ بر احکام



- در مباحث گذشته به انواع لفظ به اعتبار مراتب وضوح و خفاء پرداختیم ، هم اکنون صرفنظر از مراتب وضوح و خفای لفظ ، به روشها یا نوع دلالت لفظ بر معنا در نزد مکتب اصولی فقها (حنفیه) و متکلمان (جمهور) می پردازیم.

- اولاً: چگونگی یا روش ها و نوع دلالت الفاظ بر احکام در نزد فقها (حنفیه).

- ۱- عبارة النص : دلالت لفظ بر معنای مقصود ، خواه این دلالت ، اصلی باشد یا تبعی.

مثال ۱- «وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا» «{حال آنکه خدا بیع را حلال کرده و ربا را حرام شمرده است}» بقره : {۲۷۵} .

وجه استدلال: آیه مذکور بر دو معنا دلالت می کند:

معنای اول- اباحه بیع و حرمت ربا (معنای تبعی)

معنای دوم- بیان عدم همسانی بین بیع و ربا (با قرینه شأن نزول)

مثال ۲- «فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً»



- ” آنچه از [سایر] زنان شما را پسند افتد، دو زن و [یا] سه زن و [یا] چهار زن را به زنی گیرید. پس اگر بترسید که [باز] نمی توانید به عدل و انصاف رفتار کنید. به يك زن یا به ملك یمین خود اکتفاء کنید“ [نساء : ۳]

• وجه استدلال: معانی قابل برداشت از این آیه از طریق عبارة النص عبارتست از :

• معنای اول- اباحه ازدواج (معنای تبعی)

• معنای دوم- سقف نهائی ازدواج به تعداد چهار همسر (با قرینه شأن نزول) ← معنای اصلی

• معنای سوم – اکتفا به تک همسری در شرایط بیم از عدم رعایت عدالت در تعدد ازدواج ← معنای اصلی

نکات:



- **نکته ۱-** اکثر نصوص قرآن و سنت از طریق عبارة النص بر احکام دلالت می کنند.
- **نکته ۲-** عبارة النص ، مفید قطع است ؛ مشروط بر اینکه مؤولی (تخصیص ، تقیید و...) نداشته باشد.
- **نکته ۳-** عبارة النص ، شامل «ظاهر و نص» از انواع واضح الدلالة نزد حنفیه می گردد.
- **نکته ۴-** عبارة النص در نزد حنفیه ، معادل منطوق صریح (دلالت مطابقی و تضمنی) و دلالت الایماء (نوعی دلالت التزامی) در نزد متکلمین است ؛ چون عنصر اصلی موجود در «عبارة النص» دلالت لفظ بر معنای (مقصود) است و عنصر اصلی موجود در منطوق صریح و ایماء [در بین انواع منطوق غیر صریح] نیز دلالت لفظ بر معنای (مقصود) ؛ خواه به طور اصلی یا تبعی می باشد.

۲- **اشاره النص:** دلالت لفظ بر معنای غیر مقصود؛ به طوری که لفظ برای آن معنا نیز استعمال نشده است؛ ولی آن معنای غیر مقصود از لوازم معنای مقصود است که گاهی این معنای غیر مقصود با مقداری تأمل و گاهی تأمل فراوان قابل فهم است.



- **مثال ۱-** «أَجِلَّ لَكُمْ أَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ» ” آمیزش با زنانان در شب روزه برایتان حلال شمرده شد“ [بقره: ۱۸۷]
- **وجه دلالت:** آیه مذکور از طریق عبارة النص دلالت بر اباحه جماع در تمام شب (تمام اجزای شب) تا طلوع فجر دارد؛ ولی لازمه اباحه جماع در تمام شب تا صبح، این است که جایز شده باشد شخص تا وقت اول فجر، جنب باقی بماند؛ ولی این معنا برای شارع، مقصود نیست.
- **مثال ۲-** «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» ” و [کمترین مدت] بار گرفتن و از شیر بازگرفتنش سی ماه است“ [احقاف: ۱۵]
- **وجه دلالت:** آیه مذکور به عبارة النص خویش دلالت دارد بر اینکه مدت بارداری زنان و مدت شیردهی مجموعاً سی ماه است؛ ولی به تفکیک مشخص نشده است؛ با رجوع به آیه دیگری مدت شیردهی مشخص شده است. «وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ» [لقمان: ۱۴] یا «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ» [بقره: ۲۳۳]. از مشخص شدن دو سال شیردهی مشخص می شود (لازمه آن) که کمترین مدت بارداری شش ماه است.

نکات



نکته ۲- اشاره النص در بین حنفیه و متکلمین دارای معنای واحدی است.

نکته ۱- اشاره النص ، مساوی دلالت التزامی در بین انواع دلالت های منطقی است.

۳) دلالة النص: دلالت لفظ بر ثبوت حکم منطوق (مذکور در نص) برای مفهوم با وجود علت مشترک لغوی بین آن دو (خواه مسکوت عنه (مفهوم) مساوی منطوق باشد یا بالاتر از آن.



● نکات:

- نکته ۱- دلیل تسمیه این دلالت به دلالة النص ، آن است که حکم موجود در این نوع منطوق از خود لفظ (مانند عبارة النص و اشارة النص) فهمیده نمی شود، بلکه از طریق علت مشترک آن قابل فهم است.
- نکته ۲- دلالة النص در نزد حنفیه برابر «مفهوم موافقه» در نزد متکلمین است که جزء مفهوم است نه منطوق.
- مثال دلالة النص: مفهوم موافقه از نوع قیاس اولویت: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ» [حتی] به آنان «اف» مگو، [اسراء: ۲۳]
- وجه دلالت: آیه مذکور از طریق عبارة النص ، دلالت بر حرمت «اف» گفتن به والدین به علت اثر ایذائی این لفظ است. از طریق این لفظ متبادر به ذهن می شود که حرمت آن شامل ؛ضرب و شتم والدین نیز می گردد، به علت آنکه علت ایذائی آن ف بیشتر از علت ایذائی موجود در لفظ «اف» می باشد.

مثال دلالة النص - مفهوم موافقه از نوع قیاس مساوی



- «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا» «بی گمان آنان که اموال یتیمان را از روی ستم می خورند، جز این نیست که در شکمشان آتش [فرو می برند و] می خورند، و به آتشی برافروخته، در آیند» [نساء : ۱۰]

۴) اقتضاء النص: آن نوع دلالتی که درستی جمله ، مستلزم به تقدیر گرفتن لفظی است.



● مثال ۱- «وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ» « و از شهر پیرس» [یوسف : ۳۸]

● مثال ۲- «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ» « نکاح [

مادرانتان و دخترانتان بر شما حرام گردیده است » [نساء : ۲۳]

● مثال ۳- حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم «ان الله رفع عن امتی الخطأ و النسیان و ما استکرهوا علیه».

● وجه دلالت: ظاهر کلام بیانگر آن است که فعل ناشی از خطا یا نسیان یا اکراه از امت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم برداشته شده است (یعنی این نوع افعال در صورت وقوع برداشته می شود) یا امت اسلامی آن را انجام نمی دهند؛ حال آنکه مراد حدیث، غیر از موارد مذکور است، بلکه مراد، رفع مؤاخذه (رفع حکم یا رفع دائم) از افعال مذکور است.

● نکته: دلالت اقتضاء در نزد فقها (حنفیه) همان دلالت اقتضاء در نزد جمهور است.